**چکیده:**

حقوق بشر مسأله‌ای مدرن و کشف عصر جدید نیست؛ بلکه عدم آگاهی برخی افراد از اصول ادیان الهی، قدمت حقوقی، فلسفی و ادبیات حقوق انسان، موجب شده است که این مسأله را موضوعی جدید و محصول مدرنیته تصور کنند.

حقوق بشر یک استاندارد جهانی واحد و مورد اجماع ندارد و تنها راه علمی و عملی رعایت آن برقراری مجدد ریشه¬های توحیدی، وحیانی و اصل نبوت در این مسأله است که مصداق عملی حقوق بشر عام، استاندارد، فراملی و فراتاریخی با برقراری حکومت عدل واحد جهانی مهدی موعود(ع) در آخرالزمان میسر می شود.

غرب با هراس از ایدئولوژی دینی، بنیاد گرایی اسلامی و موج بیداری که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران شروع شد و به دیگر کشورهای اسلامی نفوذ و صدور پیدا کرد، با تبلیغات گسترده علیه بنیاد گرایی اسلامی سعی در تخریب آن دارد.

امروزه آمریکا و غرب خود را سپاه دموکراسی و حقوق بشر معرفی کرده‌اند و تلاش می‌کنند که در کشورهای اسلامی انتخابات برگزار نشود و تا حد امکان از دست نشانده‌هایشان حمایت می‌کنند؛ اما اگر انتخابات برگزار شود، همچون الجزایر انتخابات را لغو کرده یا در صحت آن خدشه وارد می‌کنند و با ایجاد هرج و مرج، حکومت دلخواه خود را حاکم می‌کنند.

حقوق جهانى بشر از دیدگاه غرب را براى انسان‌ها نادیده گرفته است، در هیچ یک از مواد این حقوق، امتیازى براى انسان‌هاى بافضیلت، باتقوا و باکرامت مطرح نشده و چون جاندار است، از حق حمایت، آزادی، حق مالکیت و... برخوردار می‌شود که تعریفی مشترک میان انسان و حیوان است.

اندیشه حقوق بشر در اسلام مبتنی بر تفکر توحیدی و مبتنی بر فضیلت، ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی است؛ بر خلاف غرب که اندیشه حقوق بشر را در تفکر اومانیسم و انسان گرایی می‌داند.

هیچ دفاعی از حقوق بشر مدون در سازمان‌های بین المللی که بتواند ذاتی بودن، بدیهی بودن، دوام، ضرورت، کلیت، شمول، انتقال ناپذیری، فسخ ناپذیری، مطلق و جامع بودنش را از یک طرف اثبات و احراز کرده در عین حال کارآمدی این سیستم حقوقی و تناسب آن با واقعیات امروز، عمل‌گرایی و حلالیت آن را برای خصومت­ها و بی‌عدالتی­های اجتماعی در یک سیستم حقوق بشری را ثابت کند؛ در عالم بشری تاکنون طراحی نشده و به سبب تک بعدی بودن ذهن بشر، امکان طراحی چنین سیستمی که کارآمدی و قداست هر دو را باهم داشته باشد، از سوی بشر وجود نخواهد داشت.